

"در باره مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه"

کمیته هم‌هانگی برای کمک...

پانزدهم خرداد هشتاد و هفت

وضعیت اقتصادی در جامعه هر روز بیشتر به ضرر ما کارگران تغییر می‌نماید. طی همه‌ی سالهای گذشته تورم بدون وقفه سیر صعودی داشته است. در صورتی که دستمزد ما کارگران متناسب با تورم افزایش نیافته و در نتیجه سفره کوچک ما هر روز بیشتر از قبل کوچکتر و محقرتر گردیده است. از سوی دیگر خیل عظیم بیکاران در جستجوی کار با نازل ترین دستمزدها باعث شده، تا همواره خطر بیکاری و جایگزینی کارگران بیکار بر بالای سر ما سنگینی نماید. هزاران و شاید میلیونها کارگر بیکار و هزاران یا میلیونها کارگر در معرض بیکاری عرصه را بیشتر بر ما تنگ نموده است. هر روز در مقابل چشم مان و یا از طریق روزنامه‌ها در جریان فجایعی که به خاطر بیکاری و فشارهای اقتصادی گریبان خانواده‌های کارگری را می‌گیرد، قرار می‌گیریم. ما کارگران در پرخطرترین و سختترین شرایط در محیطهای کار، همه نعمات جامعه را می‌آفرینیم اما هر روز بیشتر و بیشتر ما را از بهرمند شدن از آنها محروم می‌کند. نیروی جسمی و فکری ما زره زره به کالاهایی منتقل می‌شود که در بسیاری موارد داشتن آن‌ها برای ما یک حسرت دائمی است. خودروهای گران قیمت، خانه‌های لوکس و با امکانات رفاهی فراوان، بهترین غذاها در رستوران‌های بالای شهر، سفرهای پُر هزینه به کشورهای دیگر و ... برای ما خواب و رویایی شده‌اند. کودکانی که در خیابانها ساعت‌های مدیدی گدایی و یا دست فروشی می‌کنند یا فرزندان کارگران از کار افتاده و بیکارند و یا فرزندان کارگران و نُهی دستان معتادی هستند که قربانیان شرایط وخیم اقتصادی سرمایه‌داریند. در جامعه‌ای که کمتر از ۱۷ درصد زنان شاغل هستند و فرصتهای شغلی بسیار کمی برایشان وجود دارد، چگونه می‌توانند از یک موقعیت انسانی و آسوده بر خوردار باشند؟ جامعه ما و همه دنیا در دهه‌های گذشته صنعتی‌تر و مدرن‌تر شده است، اما از اینهمه امکانات و تکنولوژی نصیب ما جز فقر بیشتر و تنگدستی چه بوده و هست؟ دنیا با سرعت سرسام‌آوری در زمینه‌های مختلف اقتصادی پیشرفت می‌نماید اما کمر ما زیر بار کار، ناامنی شغلی، ساعات زیاد کار و یا بیکاری، تورم، آسیب‌های اجتماعی و ... خم شده است. آیا واقعا سهم ما از دنیای کنونی همین است؟ آیا همه به اندازه کاری که می‌کنند سهم می‌برند؟ آیا معنی عدالت همین است؟ آیا اقتصاد و جامعه ما بطور کلی فقیر است؟ آیا همه اینها تقدیر و مشیت است؟

با یک نگاه گذرا به قطب دیگر جامعه درمی‌یابیم که واقعیت همه آن چیزی نیست که به ما تحمیل شده است. ثروتهای نجومی " آقاها و آقازاده‌ها"، امکانات گسترده، هزینه‌های دهها و صدها میلیارد دلاری خرید تسلیحات نظامی، مازاد بودجه صدها میلیارد دلاری ناشی از قیمت بالای نفت، تاجرانی که کشتی‌های تجاری را بروی دریا معامله می‌کنند، صاحبان صنایع و کارخانه‌های متعدد، میلیاردها دلار هزینه برای بازسازی ویا کمک در خارج کشور- که فقط یک مورد آن که در روزنامه اعتماد به تاریخ ۸۷/۲/۲۹ درج گردیده هشتصد میلیارد تومان هزینه بازسازی یکی از مکانهای مذهبی در عراق است - میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در صنایع نفت و گاز، منابع غنی زیر زمینی که

ایران را در ردیف یالاترین کشورهای دارای منابع غنی معدنی قرار داده است. ایران دومین صادر کننده کارتل نفتی اپک است. ایران پس از روسیه دومین منابع گازی جهان را دارد. ایران یکی از بزرگترین صادر کنندگان سنگهای تزئینی و ساختمانی است. ششمین صادر کننده گوگرد جهانیم. بازار کشورهای حوضه خلیج فارس مملو از میوه های ایرانی است. ایران یکی از صادر کنندگان بزرگ مس در دنیا است. در این رابطه ساعت ها می توانیم آمار بیاوریم ، اما از اینهمه امکانات و ثروتها ی اقتصادی ما را چه سود؟ در مقابل اینهمه ثروتی که هر روز بیشتر و بیشتر انباشت می شود چرا سهم ما کمتر و کمتری گردد؟ چرا باید برای داشتن حد اقل امکانات انسانی و حتی کاری شرافتمندانه دغدغه و اضطراب داشته باشیم؟

در چنین وضعیتی کارگران نیشکر هفت تپه که تا چند سال پیش حدود هفت هزار نفر بودند و حالا به ۳۵۰۰ نفر رسیده اند، بیش از چهار ماه است که دستمزد دریافت نکرده اند. دستمزد کارگران نیشکر هفت تپه بارها و بارها عقب افتاده و آنها در تنگنایی مضاعف قرار گرفته اند. چرا کارگران نیشکر هفت تپه شعار "کارگر هفت تپه ایم گرسنه ایم گرسنه ایم" سرداده اند؟ کارگران نیشکر هفت تپه همچون همه کارگران از یکسو تحت فشار تورم لجام گسیخته قرار دارند و از سوی دیگر امنیت شغلیشان در خطر است. با وجود آنکه کارخانه نیشکر هفت تپه زمینهای زیر کشت نیشکر بسیاری دارد و در واقع تولید شکر در جامعه ما خود کفاست، اما با واردات بی رویه و گسترده شکر، شکر تولید شده ی این کارخانه در انبارها ذخیره شده اند. هزاران کارگر نیشکر هفت تپه دستمزد نمی گیرند تا " آقایان و آقازاده ها" میلیاردها دلار از بابت واردات شکر سود ببرند. مجموع مطالبات کارگران نیشکر هفت تپه کمتر از ده میلیارد تومان است، اما برداشت از صندوق ذخیره ارضی ۳۵۰۰ میلیارد تومان بوده که عمدتاً به بخش خصوصی داده شده و یا صرف دیگر مخارج دولتی شده است. کارگران نیشکر هفت تپه با اعتصاب، راه بندان، و تجمع، صدای اعتراضشان را بگوش همه رسانده اند. آنها حدود يك ماه است که با تمام توانشان در مقابل سرمایه داران اعتراض می کنند. اما پاسخ مسولین یا بی توجهی یا بازداشت و برخورد با کارگران بوده است. نیروهای انتظامی و امنیتی شهرشوش را محاصره نموده اند تا "در صورت لزوم وارد عمل شوند". اما مگر این کارگران چه می خواهند و چه می کنند؟ کارگران جز دستمزد ناچیزی که همه می دانند کفاف زندگی حد اقلی را نمی دهد، مگر چیز دیگری می خواهند؟ کارگران و خانوادههایشان بیش از ۴ ماه است که شدیداً تحت فشارند و آب باریکه زندگیشان قطع شده است. نمایندگان کارگران نیشکر هفت تپه یا به دادگاه و بازجویی فرا خوانده شده اند و یا در بازداشت بسر می برند. نیروهای نظامی در مقابل آن ها آرایش نظامی گرفته اند تا آن ها را مرعوب نمایند. رسانه های رسمی و قانونی سانسور خبری ایجاد نموده اند تا مبادا صدای کارگران گرسنه هفت تپه بجایی برسد. اما مثلاً در باره سفر آقای رئیس جمهور به سریلانکا و پرداخت دو میلیارد دلار وام بلا عوض به دولت سریلانکا مدت زیادی در اخبار گزارش ارائه می کنند. آیا بهتر نیست که به جای وام بلا عوض به دولت سریلانکا وامثال آن دستمزد عقب افتاده کارگران پرداخت گردد؟ اما ظاهراً مسولین و دیگر سرمایه داران دائماً به ما ثابت می کنند که حق گرفتنی است و نه دادنی.

اما کارگران نیشکر هفت تپه در راه گرفتن حقتشان تنها هستند. صدای اعتراض آنها نه تنها برای بیان دردهای میلیونها کارگر در ایران کافی نیست، بلکه حتی برای حق خودشان هم کفاف نمی دهد. در دنیای سرمایه داری امروز با هزاران امکانات انحصاری، کارگران نمی توانند جدا از هم و پراکنده حق شان را بستانند. کارگران نیشکر هفت تپه که حدود يك

ماه است ایستادگی و مقاومت نموده اند نیاز به یاری و کمک دیگر هم طبقه ای هایشان دارند.

هر چند ما کارگران نیز همچون کارگران نیشکر هفت تپه فاقد سازماندهی و تشکل لازم هستیم، و جدا از هم و پراکنده ایم، هر چند ما کارگران نیز به چنان سطحی از مبارزه و اتحاد نرسیده ایم که بتوانیم به تمامی و وسیعاً به کمک کارگران نیشکر هفت تپه بشتابیم، و همه این ها ضعف های بزرگ طبقاتی ما هستند، اما می توانیم با بیان خبر اعتراضی کارگران نیشکر هفت تپه در محیط های کارمان، با کمک مالی به آنها، با برپایی مراسم هایی هر چند کوچک در اعتراض به وضعیت آنها، با دادن بیانیه حمایتی از طرف کارگران محل کارمان، به کارگران نیشکر هفت تپه کمک نماییم. نباید همه اینها را دست کم گرفت. هرکدام از این فعالیت های حمایتی از کارگران نیشکر هفت تپه در حد خود موثر است و می تواند به آنها روحیه و اعتماد بنفس بدهد.

اما کارگران نیشکر هفت تپه نیز می توانند با متشکل نمودن خود و و تثبیت سندیکایی که موجودیت آن را اعلام نموده اند، سپر دفاعی در مقابل سرمایه داران برای خود ایجاد نمایند. با متشکل شدن کارگران راه برای تداوم مبارزه و اتحاد با دیگر کارگران بیش از پیش باز می گردد. چاره ما کارگران در مقابل دستگاه عریض و طویل سرمایه داران فقط متشکل شدن و اتحاد است.

ما کارگران متشکل در "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری" در حد توان مان از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه حمایت می کنیم و هر گونه بر خورد سرکوبگرانه و مرعوب کننده را بشدت محکوم می نماییم. ما خواهان پرداخت بدون قید شرط دستمزد کارگران نیشکر هفت تپه با اضافه خسارت ناشی از تاخیر پرداخت در این مدت هستیم. ما کارگران متشکل در "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری" خواهان توقف محاکمه ی فعالین کارگری هفت تپه و آزادی فعالیت این کارگران برای پیگیری مطالبات همکاران شان هستیم، و هر گونه فشار پلیسی به کارگران هم چون باز جویی، احضار به دادگاه و تهدید را شدیداً محکوم می نماییم. ما از همه مجامع کارگری بین المللی تقاضا داریم در حمایت از هم طبقه ای هایشان دست به اقدام زده و در این راه تلاش نمایند.

"کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری"

۸۷/ ۳ / ۱۴

Komite.hamahangi@yahoo.com